

خانواده، حلقه اول در زنجیره آموزش هنر

31 شهریور 1401

خانواده به عنوان یک نهاد و گروه کوچک در جامعه شناخته می شود که اعضای آن تعاملات و اهداف مشترکی را دنبال می کنند. زن و مرد در قالب قرار گرفتن در این نهاد کوچک و پذیرش نقش هایشان در این نهاد قوانینی را برای خانواده خود وضع می کنند. این قوانین جزو قانون های نانوشته ای است که در هیچ سند و مدرکی ثبت نمی شود ولی قابلیت اجرایی آن بسیار محکم تر و با پشتوانه تر است.

نقش خانواده و قوانین موجود در آن در آموزش فرزندان آن خانواده بسیار مهم است زیرا کودکان هر جامعه با حضور در اولین نهاد آن جامعه که خانواده است، بسیاری از مهارت ها، محدودیت ها، الزامات، انعطاف ها، مبانی اخلاقی، مؤلفه های نقش های اعضای خانواده و گرایش های مذهبی، هنری، اجتماعی و سیاسی را می آموزند. هرچقدر که خانواده ای اجرای منظم قوانین داخلی خود را فارغ از اجبار در خانواده رواج دهد، اعضای آن و بخصوص فرزندان آن خانواده با نگاهی درست تر و با دلیل و منطق می توانند رسوم خانوادگی خود را درک کنند و آن را بپذیرند. در این بین مهارت های هنری و رواج یک یا چند شاخه هنری در خانواده می تواند به عنوان یک ابزار مناسب به کمک اعضای خانواده بیاید و در انسجام و همکاری و هماهنگی بین آنها یاری رسان باشد. هر کدام از شاخه های هنری به دلیل ماهیت زاده خود در درونش با عمق روح و روان انسان ها آمیخته شده است و می توان گفت که هنر از عمق روان انسان به بیرون می تراود و در قالب شاخه های هنری و اثر هنری نمایان می شود. ذات **هنر** آرامش دهنده است و برای یک فرد جزو مهارت های فردی او محسوب می شود شاید اینگونه گفته شود که هنر می تواند یکی از مؤلفه های موضوع توسعه فردی نیز محسوب شود.



رواج هنر در یک خانواده توسط یک یا چند نفر از اعضای آن خانواده به پیشینه خانوادگی آن فرد گره خورده است و شاید بتوان گفت که هنر هر فرد یکی از نتایج قوانین وضع شده نانوشته خانوادگی و آبا و اجدادی اوست. به طور مثال به سابقه خانوادگی هنرمندان که نگاه می کنیم می بینیم که اکثر آنها به صورت نسل به نسل در آن شاخه هنری فعالیت می کنند و هنر آنها یکی از قوانین و رسوم داخلی خانوادگی آنها است که از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است حتی اگر یک نفر از یک خاندان آن هنر را زنده نگه داشته باشد این نتیجه گیری را باید کرد.

*شهره طاعتی/مددکار اجتماعی